

## پارادایم دوفضایی شدن جهان و دوجوانی شدن آنها

با توجه به تغییرات بزرگی که در دوره جهانی شدن روی داده است، و این تغییرات پایانه‌ها و آغازهای جدید و به عبارتی یک نقطه عطف تاریخی محسوب می‌شود، فهم این دوره جدید نیازمند پارادایم نظری جدیدی است که توضیح‌دهنده روندهای جدید تاریخ معاصر می‌باشد. اساساً در تعریف پارادایم بر این نکته تأکید می‌شود که «پارادایم مجموعه‌ای از سؤالات، اعمال و قراردادهای نهادینه‌ای است که منعکس‌کننده نگاه علمی به مسائل یک مقطع خاص تاریخی باشد» (بیلتون، ۲۰۰۲: ۴۳۱). بنابراین، پارادایم اسیر دوره و زمان خاص است. به همین دلیل، پارادایم‌های مدرنیته، برای مثال، در قالب مدرنیته ایرانی (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۱۷) با رویکردهای مختلفی مثل روشنفکری و عقب‌افتادگی، رویکرد توسعه‌نیافتگی و یا پارادایم ایدئولوژی‌گرایی، منعکس‌کننده تاریخ مدرنیته ایرانی و یا مدرنیته معاصر ایرانی است، اما این نوع پارادایمها ظرفیت نگاه به فضای جهانی شده ایرانی و یا فضای دوجوانی شده جدید ایرانی را ندارد.

با این نگاه، پارادایم‌های مدرنیته به مرور رویکرد تاریخی می‌یابند و توسعه آنها به روندهای آینده، مستلزم بازسازی معرفتی جدید است. این ناتوانی، هم به دلیل بنیادهای متفاوت معرفتی است که در قالب پسامدرنیسم ظهور یافته و هم به دلیل ظهور ظرفیتها و توسعه‌های جدید و به عبارتی ناشی از ظهور دوره جدیدی است که

به مراتب با ظرفیتهای دوره مدرنیته متفاوت است. مهم ترین توسعه اجتماعی معاصر، توسعه فضای اجتماعی است که با دوفضایی شدن جهانی شدن، اتفاق افتاده است. به دنبال توسعه جدید فضای اجتماعی، ظرفیت جدیدی به جهان واقعی<sup>۱</sup> (جهان اول) اضافه شده است که از آن به جهان مجازی (جهان دوم) تعبیر می شود. در واقع در درون این دو جهان که مانند دوقلوهای به هم چسبیده با یکدیگر در تعامل هستند و بدون یکدیگر، استمرار حیات اجتماعی آنها ممکن نیست، دو واقعیت در جریان است که یکی واقعیت طبیعی و دیگری واقعیت مجازی<sup>۲</sup> است (عاملی، ۱۳۸۲ الف و ب). در این دو جهان، جهانی شدنهای بسیاری (برگر و هانتینگتون، ۲۰۰۲<sup>۳</sup>) در جریان است که هر یک از قوت، سرعت، شدت و تأثیر متفاوتی برخوردار است (هلد<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۹). با این نگاه، از نظر نگارنده، پارادایم بزرگی که ممکن است منعکس کننده دوره جدید باشد، «پارادایم دوج جهانی شدنها» است.

فهم دقیق تغییرات جهان جهانی شده و فرایندهای طبیعی و ایدئولوژیک حاکم بر آن، مستلزم توجه جدی به وجود این دو جهان موازی است. دوج جهانی شدنها، شامل فرایندهای جهانی است و درعین حال منعکس کننده دوج جهانی گرایی<sup>۵</sup> نیز هست. دوج جهانی شدنها بیان کننده فرایندهای جهانی در دو فضای متفاوت است و دوج جهانی گراییها، اشاره به شکل گیری معرفتهای جدید جهانی از جهان واقعی و جهان مجازی است. درعین حال، دوج جهانی شدنها منعکس کننده پایانها و آغازهای جدید است. بر این مبنای نگارنده که در چهار نوشتار دیگر که در یکی به آسیب شناسی جهان معاصر در بستر دوج جهانی شدنها با عنوان دوج جهانی شدنها و جامعه جهانی اضطراب (عاملی، ۱۳۸۲ ب) پرداخته و در مقاله ای دیگر با تکیه بر دوج جهانی شدنها، با تحلیلی کل گرایانه به روندهای آینده جهان (عاملی، ۱۳۸۲ الف) نگاه کرده و در نوشتار سوم هویت های هم زمان فردی را با نگاه آینه گرایانه در فضای

---

1. real world  
 2. virtual reality  
 3. Berger & Huntington  
 4. Held  
 5. dual globalism

دوج جهانی شده (عاملی ۱۳۸۲ ج) بررسی کرده و در نوشتار انگلیسی به ارتباطات بین دینی در فضای دوج جهانی شده (عاملی، ۲۰۰۴ الف)، پرداخته است؛ بر ابعاد پارادایمی دوج جهانی شدن تأکید کرده و توجه به این موضوع را از لحاظ فضاشناسی جدید محوری ترین پارادایم برای مطالعه جهان معاصر و جهان آینده تلقی کرده است. به نظر می رسد پارادایم دوج جهانی شدن ظرفیتهای نظریه فراگیر اجتماعی را که نیازمند توجه به چندگانگی در شکل گیریهای اجتماعی، پرهیز از تعین گرایی و نگاه تطور خطی در تحولات اجتماعی و در نهایت توجه به بی جغرافیا بودن زیست اجتماعی - فرهنگی (عبداللهیان، ۱۳۸۱: ۱۹۱) است، دارد.

پارادایم دوج جهانی شدن، نگاهی است که نخست بر تمایز بین جهان مدرنیته و جهان جهانی شده تأکید می کند و در گام بعد به تبیین و متمایز کردن دو جهان موازی و در عین حال مرتبط و درهم تنیده می پردازد و به جهانی شدنهای متکثر در درون این دو جهان توجه می کند. با این نگاه، مهم ترین تغییر جهان معاصر که بنیان تغییرات آینده جهان را می سازد، رقابتی شدن جهان واقعی و جهان مجازی است. ظهور جهان جدید یعنی جهان مجازی<sup>۱</sup> بسیاری از روندها، نگرشها و ظرفیتهای امروزی و آینده جهان را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. این جهان در واقع به موازات و گاه مسلط بر جهان واقعی ترسیم می شود و عینیت واقعی می یابد. این دو جهان از یک رابطه انعکاسی هندسی<sup>۲</sup> برخوردارند و دادوستدهای بی شماری بین این دو جهان جریان دارد.

جهان اول با ویژگیهای جغرافیا داشتن، برخوردار از نظام سیاسی مبتنی بر دولت - ملت، طبیعی - صنعتی بودن، محسوس بودن و معطوف به احساس قدیم تر بودن، از جهان دوم قابل تمایز است. جهان دوم نیز با ویژگیهایی مثل بی مکانی، فرازمان بودن، صنعتی بودن محض، عدم محدودیت به قوانین مدنی متکی بر دولت - ملتها، برخوردار از معرفت شناسی تغییر شکل یافته پسامدرن، دسترس پذیری هم زمان،

1. virtual world

2. geometrical reflection

روی فضا بودن و برخورداری از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی جدید، نسبتاً از جهان اول جدا می‌شود. این دو جهان در بسیاری از موارد به دوقلوهای به هم چسبیده تبدیل خواهند شد و تعامل فردی و اجتماعی در بسیاری از قلمروها، به تعاملهای دوج جهانی بستگی خواهد داشت و ما با دوج جهانی شدنهای به هم چسبیده‌ای<sup>۱</sup> مواجه خواهیم شد که حذف یکی از آنها موجب زوال دیگری نیز می‌شود. آموزش و پرورش آینده، نظامهای تجاری و بانکی کنونی و آتی، نظامهای کنترل شهری و شهرسازی، حتی پزشکی جهان آینده، بر این تعامل پیوندخورده این دو جهان است.

جهان دوم، فضای ظهور مفاهیم و مقوله‌ها و «مجازهای واقعی» بسیاری مثل مبارزات احزاب سیاسی مجازی (گیسون، ۲۰۰۴<sup>۲</sup>)، تضادهای دینی و نهضتی مجازی (کاراتزوجیانی، ۲۰۰۴<sup>۳</sup>) و از همه مهم‌تر شکل‌گیری «شهر مجازی» (گینه‌ویزن، ۲۰۰۴<sup>۴</sup>) در مقابل شهر فیزیکی<sup>۵</sup> و مادی (چانگ، ۲۰۰۳<sup>۶</sup>) است. حضور در جهان مجازی، در بعضی از کشورها همچون سنگاپور، به قدری توسعه یافته که قابل مقایسه با جهان مادی است (گوبای، ۲۰۰۳<sup>۷</sup>). هیراد<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۰۹) از جهانی شدن هوشمند که روند جهانی شدن را به صنعت ماشینی شده جهانی پیوند زده است، سخن می‌گویند. در واقع روند هوشمندسازی در هر دو جهان، جهانی شده است و ما ابزارهای رایانه‌ای را هم در جهان واقعی و هم در جهان مجازی، با تفکر فراگیرسازی رایانه‌ای مشاهده می‌کنیم که مسیرهای فوری زندگی را نشانه می‌گیرد (اولیرو و دورسات، ۲۰۱۱<sup>۹</sup>) و دامنه این نظام نیز همه عرصه‌های حرفه‌ای و راهبردی زندگی مثل پزشکی هسته‌ای را دربر می‌گیرد (دلا و کچیا و اسپوزیتو، ۲۰۱۰<sup>۱۰</sup>).

1. twin globalizations
2. Gibson
3. Karatzogianni
4. Geenhuizen
5. physical city
6. Chang
7. Goby
8. Jhirad
9. Uliru & Doursat
10. Della Vecchia & Esposito

گسترش فضای مجازی در همه ابعاد زندگی، نگرانی سلطه مجدد قدرتهای استعماری و سلطه گر بر جهان مجازی در امتداد جهان واقعی را به همراه آورده است و ادبیات جدیدی با عنوان استعمار مجازی (عاملی، ۱۳۸۹) شکل گرفته است. مهم ترین تغییری که فضای دوج جهانی به وجود آورده، تغییر در روابط انسانی است. در واقع ارتباطات چهره به چهره سنتی در سطح وسیعی جای خود را به ارتباطات در فضای مجازی (لارنس، ۲۰۰۳)<sup>۱</sup>، مثل ارتباط به واسطه رایانه یا به واسطه وسایل ارتباط از راه دور و یا وسایل ارتباط جمعی، داده است. این تغییر فضای ارتباطی در واقع تجربه تعامل اجتماعی متفاوتی را وارد زندگی انسان کرده است. روابط انسانی در فضای مجازی هم در سطح تفریح و سرگرمی و هم در سطح ارتباطات برای یادگیری و آموزش «متصل و پیوسته» (بران، ۲۰۰۳)<sup>۲</sup> - که در مواردی فضای آموزشی مجازی را به یک جماعت مجازی آموزشی تبدیل می کند (هریس، ۲۰۰۳)<sup>۳</sup> - و یا انواع دیگر روابط اجتماعی صورت می گیرد که منعکس کننده تنوع و تکرر روابط اجتماعی در فضای مجازی است. از طرفی، فضای مجازی جریان اطلاعات را در جامعه تغییر داده و مسیرهای خاص محلی را به تکرر منابع اطلاعاتی تبدیل کرده است. به وجود آمدن فضای اطلاعاتی مجازی که از خصیصه بی مکانی<sup>۴</sup> و فرامرزی<sup>۵</sup> برخوردار است، منشأ تغییر مرزبندیها و اقتدارهای مبتنی بر دولت-ملت شده است که از منظر نورئالیستها تهدیدی برای یکپارچگی دولتها و از دیدگاه نولیرالها فرصت جدیدی برای اقتدار دولتی است و از نظر ساختارگراها اساساً نظامی فرادولتی دارد که با اقتدار دولت در چالش نیست، بلکه به لحاظ مسیر عمل اجتماعی و دولتی در فضای متفاوتی حرکت می کند (اشتاینبرگ و مک دوول، ۲۰۰۳)<sup>۶</sup>. از سویی می توان گفت که جهان دوم، به دلیل برخورداری از ظرفیتهای دیجیتالی

1. Lawrence
2. Browne
3. Harris
4. spaceless
5. trans-boundary
6. Steinberg & McDowell

(کوب،<sup>۱</sup> ۲۰۰۳: ۲۴۴) و قدرت انتقال هم‌زمان درخواستها و فرمانها، جهانی ارزان‌تر، فشرده‌تر، دسترس‌پذیرتر و راحت‌تر ارتباطات همراه با کارآمدی و بهینه‌سازی استفاده از انرژی انسان است.

توجه به دوفضایی شدن جهان معاصر، منشأ ظهور نظامهای معرفتی جدید و عمل متفاوت اجتماعی می‌شود. نظام سیاسی متفاوت، روشهای آموزشی و مدیریتی متمایز و اساساً دولت و شهر بازسازی‌شده دوفضایی را تولید می‌کند که دربردارنده ظرفیتهای مثبت و درعین حال چالش‌برانگیزی برای دولت و نظام شهری خواهد بود و زندگی روزمره متفاوتی را به دنبال خواهد داشت. این بدین معناست که این نظریه صرفاً نظریه نیست، بلکه هم منعکس‌کننده واقعتهای فردی و اجتماعی و هم تولیدکننده واقعتهای جدید فردی و اجتماعی خواهد بود.

می‌توان گفت پارادایم دوفضایی شدن جهان و شکل‌گیری لایه‌های ترکیبی فرهنگهای دوفضایی شده و آغاز شکل‌گیری فضای مجازی، به آغاز ذهن و جهان واقعی تصاویر ذهنی که عمری به اندازه عمر بشر دارد، بازمی‌گردد. در واقع از همان زمان که بشر امکان حرکت نامحدود و تصرفات آسان را در جهان ذهن پیدا کرد، جهان دوم تولد یافت. جهان دوم فضای مهم عمل ذهنی انسان بود که گاه خیالات و گاه نوستالژیها و دست‌نایافتهای بشر را محقق می‌ساخت؛ جهان مأنوسی بود که انسان با آزادی کامل در آن رفتار می‌کرد. درعین حال، تحقق یافتن این تصاویر ذهنی به صورت تصاویر عینی هم‌زمان و متحرک که پدیده‌ای صنعتی و الکترونیکی محسوب می‌شود، تاریخ متفاوتی دارد. این تاریخ متعلق به قدرت پیدا کردن ماشینهای محاسبه‌گر و به‌نوعی برخوردار از اندیشه ریاضی است. به عبارت دیگر، شکل فیزیکی گرفتن جهان مجاز و ظهور جهان دوم با ماهیت واقعیت مجازی، با ظهور صنعت هم‌زمان ارتباطات<sup>۲</sup> و تبدیل شدن شیء به عدد و امر آنالوگ به امر دیجیتال امکان‌پذیر شد.

1. Cobb

2. simultaneous communication industry

در سال ۱۸۳۳ چارلز بابیج<sup>۱</sup> وسیله‌ای طراحی کرد که آن را «ماشین تحلیلی»<sup>۲</sup> نامید. این ماشین بسیاری از عناصر رایانه‌های مدرن دیجیتالی را در خود جمع کرده بود. کارت پانچ در واقع کارتی بود که هم اطلاعات را ذخیره و هم فرایند کار را تعریف می‌کرد (منوویچ،<sup>۳</sup> ۱۹۹۵: ۲۱). در دهه ۱۸۹۰، تغییرات مهمی در حوزه صنعت اطلاعات روی داد. هرمن هولریت<sup>۴</sup> برای سرشماری سال ۱۸۹۰ آمریکا، کارت پانچ پردازش شده‌ای طراحی کرد که اولین به کارگیری رایانه در سرشماریهای ملی محسوب می‌شد. از اینجا روند توسعه رایانه‌ای کردن اطلاعات شتاب جدیدی گرفت و دخالت رایانه در تجارت نیز مسیر جدی‌ای یافت (همان: ۲۴).

به‌طور حتم اختراع مورس در سال ۱۸۹۰ نقش مهمی در آغاز روند پیوند خوردن هم‌زمان اطلاعات داشت. در سال ۱۹۶۴، ملوین وبر،<sup>۵</sup> جغرافیادان شهری، گفت که در آینده نزدیک ممکن است برای اولین بار در تاریخ بشر، ظرفیتهای تجاری و همچنین جوامع مختلف بر فراز کوهها قرار گیرد تا امکان ارتباط واقعی با آنها فراهم شود. این نگاه کنایه از شکل‌گیری نگاه جدیدی به تأسیس شهرهای مجازی داشت. در سال ۱۹۸۷، جغرافیادان دیگری به نام آنتونی پاسکال<sup>۶</sup> در مقاله‌ای با عنوان «شهر پنهان»<sup>۷</sup> از نامهربانی وسایل ارتباطی رایانه‌ای با شهرهای متراکم سخن گفت و با دقت نظر تأکید کرد که این وضعیت به هم‌شکل شدن شهرها منتهی خواهد شد. پُل ویریلیو، فیلسوف فرانسوی، نیز با نگاهی نگران و نقادانه از مجاورت فضای فیزیکی با فضای مجازی و گسترش ارتباط با همه کسانی که در فاصله‌های دور قرار دارند، سخن گفت (ویریلیو،<sup>۸</sup> ۱۹۹۳). سال ۱۹۹۵، شاهد یافته‌های دیگری در دانشگاه ام.آی.تی. بودیم که در پرتو آن نیکولاس نگروپونتی<sup>۹</sup> مدیر آزمایشگاه

- 
1. Charles Babbage
  2. analytical engine
  3. Manovich
  4. Herman Hollerith
  5. Melvin Webber
  6. Anthony Pascal
  7. the vanishing city
  8. Virilio
  9. Nicholas Negroponte

رسانه‌ای این دانشگاه اعلام کرد که زندگی دیجیتالی، موجب کاهش روزافزون وابستگی به مکان و زمان خاص خواهد شد و ما شاهد انتقال مکان در پرتو صنعت دیجیتالی خواهیم بود. او معتقد بود که خانه‌ها به پنجره‌هایی دیجیتالی مجهز خواهند شد که دیدن، حس کردن و بوییدن فضای کشاورزی آلپ از بوستون را امکان‌پذیر خواهد کرد. بنابراین هم‌زمان با بودن در بوستون، فرد می‌تواند در سوئیس و یا در جای‌جای دیگر جهان نیز حس حضور فیزیکی داشته باشد.

در سال ۱۹۹۶، شافراز کابا،<sup>۱</sup> منتقد معماری، این سؤال جدی را مطرح کرد که چرا باید یک ساعت و یا ساعتها در ترافیک و سختی رانندگی کند تا به محل کار برسد، در حالی که برای انجام کار فقط با اشاره به چند دکمه صفحه کلید رایانه کار انجام می‌شود. چرا اساساً باید ساختمان ساخت؟ اگر حس حضور در محل کار از طریق فضا‌سازیهای مجازی و معماری مجازی قابل تأمین است، چرا باید خود را مشغول ساخت و سازه‌های سخت و مسائل بعدی مربوط به نگهداری بناها را نیز متحمل شد؟ در واقع او تأکید می‌کرد که «هیچ چیزی در فضای مجازی بی‌ارزش نیست» (کوکللیس،<sup>۲</sup> ۲۰۰۷).

در سال ۱۹۹۹ گزارش روم امریکا<sup>۳</sup> مبنی بر امکان تغییر وضعیت بحرانی گرم شدن جهانی<sup>۴</sup> با کاهش ساخت‌وساز انواع تجارتخانه‌ها و مراکز فروش و انبار پوشاک و مواد غذایی را مطرح کرد. در واقع این گزارش تأکید می‌کرد که ساختمانها و تجارتخانه‌ها می‌تواند تبدیل به وب‌گاه شود.

ظهور صنعت هم‌زمان ارتباطات و فضا یافتن جهان مجازی در ساختارها و مکانهای مجازی در فضای کلان اینترنت و فضاهای خاص مجازی مثل وب‌گاهها، وب‌لاگها، فضاهای ارتباطی گروهی و شبکه‌ای، خانه‌های گفتگو و فضاهای ارتباطی ایمیلی، جهان جدیدی در کنار جهان فیزیکی خلق کرده است که از آن به جهان

1. Shafraaz Kaba  
2. Couclelis  
3. The US Romm Report  
4. global warming



مجازی تعبیر می‌شود. به‌طور حتم منطق حاکم بر جهان مجازی تفاوت‌های جدی با منطق جهان فیزیکی دارد و به عبارت دیگر، فهم این دو جهان نیازمند زبان متفاوتی است. برای مثال، با زبان و نگاه آنالوگ و یا با منطق کار دستی و فیزیکی نمی‌توان فضای کار دیجیتالی و کار مجازی را در جهان مجازی درک کرد. تفاوت منطق و زبان این دو جهان که درعین حال در یک «هستی‌شناسی کلان» در بستر یک «هستی مشترک» حضور دارند، تفاوتی استعاری تلقی می‌شود که البته از منطق رقابتی، تعاملی و درعین حال کاوش برای حیات مستقل برخوردارند.

جهان مجازی یا «فضای مجازی» از ظرفیتهای ساختاری برخوردار است که همین ظرفیتهای در مقایسه با جهان فیزیکی، تمایزها و کارکردهای متفاوتی را فراهم می‌کند. یکی از کانونی‌ترین تفاوت‌های این دو جهان و به تعبیر دقیق‌تر یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های مکان فیزیکی و فضای مجازی به تفاوت کار فیزیکی با کار مجازی برمی‌گردد. تفاوت کار در فضای فیزیکی و فضای مجازی تابع قانون فراگیرتری به نام «قانون زمان مجازی» است (عاملی، ۱۳۸۷). به‌طور حتم، زمان فیزیکی و زمان مجازی تفاوت‌های اساسی دارند که در نوشتارهای قبلی نگارنده بحث شده است. این تفاوت‌ها بر کیفیت، سرعت، قدرت و ظرفیتهای انجام کار تأثیر می‌گذارد.

در چنین جهان دوفضایی شده‌ای، فرهنگ یا همان فضای زندگی، مسیر زندگی و روش‌های متمایز زندگی، موضوع تغییرات جدید شد. در جهانی که دسترسی به همه جهان از طریق فضای نرم و منعطف مجازی امکان‌پذیر شده است و در آن صنعت رایانه و به ویژه صنایع شبیه‌سازی و صنعت واقعیت مجازی برای نزدیک کردن جهان مجازی به جهان فیزیکی تلاش و افری می‌کند، موضوع عضویت فرهنگی، تعلق فرهنگی، «هویت فرهنگی» و از همه مهم‌تر «قدرت فرهنگی و تمدنی» جدیت می‌یابد. در فرهنگ دوفضایی شده، «مهاجرتهای فیزیکی»؛ «مهاجرتهای مجازی» و «مهاجرتهای فیزیکی - مجازی»، اشکال مختلف مهاجرت هستند که تحت تأثیر فضای جهان دوفضایی شده جدید اتفاق می‌افتند.

امروز مردم برای اینکه در مکانهای فرااقیانوسی و جهانهای دورافتاده قرار

بگیرند، لزوماً نیازمند مسافرت نیستند؛ بلکه فرد و افراد می‌توانند هم‌زمان در میان مردمان بسیاری قرار بگیرند، با آنها باشند و همراه با آنها امور روزمره زندگی را دنبال کنند. دوری و نزدیکی به صورت دراماتیک و درعین حال کاملاً واقعی تغییر کرده است. این بدین معناست که اساساً ما با تغییری بنیادین در مفهوم زندگی و زندگی کردن مواجه شده‌ایم. این تغییر مهم مستلزم تغییر در فهمهای فرهنگی و سیاستهای فرهنگی نیز هست.

ما نیازمند بازمهندسی فهم خود از جهان دوج جهانی شده هستیم تا در پرتو آن تغییرات اساسی را درک کنیم و بازخورد مناسبی به آن بدهیم. چنین معرفتی کمک می‌کند که ما در بازسازی ذهن و فهم خود از واقعیتهای جهان، مسیر دقیق‌تری را طی کنیم و بینیم واقعیت واقعی جهان جدید خصوصاً جهان فرهنگ چیست؟ چه نوع تغییر شناختی در جامعه به وجود آمده است و چه نوع معرفتهای فرهنگی جدیدی در سیاست‌گذاریهای فرهنگی ما باید دخالت داشته باشد. چه تغییراتی در انتظارات فرهنگی ما باید رخ دهد؟ چه انتظارات جدیدی در پرتو این تغییرات رخ می‌دهد؟ چه نوع رفتار اجتماعی غیر قابل انتظاری ممکن است رخ دهد؟

دوج جهانی شدنها از انتقالی پارادایمی سخن می‌گوید که در پرتو آن هم انتقال در واقعیت جهان و هم انتقال در فهم این واقعیت رخ می‌دهد، به گونه‌ای که هم عمل اجتماعی نیازمند رویکرد دوج جهانی است و هم واقعیتهای، تغییرات، ارزشها و عمل اجتماعی مستلزم نگاهی دوفضایی و دوج جهانی هستند. در واقع در پرتو این تغییر است که جامعه‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، زبان‌شناسی و حتی معناشناسی و معرفت‌شناسی محتاج تغییری پارادایمی و انتقال از نگاه و تحلیل یک جهانی به تحلیل و نگاه دوج جهانی است.

نگاه دوج جهانی و دوفضایی منعکس‌کننده دو محیط جهانی است که در طبیعت و ذات، دو فضای به هم مرتبط و تأثیرگذار بر یکدیگر، اما به لحاظ ماهیت و عرصه عمل و به عبارت دیگر به لحاظ ظرفیتهای و امکانات، دو فضای مستقل محسوب می‌شوند. جهانی شدن و یا جهانی شدنهای اول محصول صنعت حمل‌ونقل

تندرو است که نقاط جهان را در فیزیک جهان به هم نزدیک تر کرده است و در واقع ما با جهان کوچک تر شده‌ای در جهان فیزیکی و واقعی مواجهیم. به همین دلیل ذهنیت اینکه من کجا هستم و به کجا می‌توانم بروم، در فیزیک جهان آسان تر و از یک نگاه نزدیک تر و کوچک تر شده‌ای برخوردار است. بر این مبنا، به میزانی که صنعت حمل و نقل تندتر شود، فیزیک جهان در دسترس تر و کوچک تر می‌شود. جهانی شدنهای دوم که به جهان دوم یعنی جهان مجازی مربوط می‌شود، محصول ظهور صنعت هم‌زمان ارتباطات و همه صنایع مرتبط با رایانه، اینترنت (ارتباط شبکه‌ای بسته و تعریف شده) و اینترنت است. جهان دوم محصول صنعت هم‌زمان و لحظه‌ای ارتباطات است که وقایع، رفتارها و ارتباطات جهانی هم‌زمان را ممکن و حرکت پیام و اطلاعات و با رویکردی استعاری حرکت خود انسان را در هر جای جهان و در هر زمان امکان پذیر می‌کند.

اگرچه این دو جهان در کره زمین قرار دارند و فرض دوییت به لحاظ هستی‌شناختی امکان پذیر نیست، ولی با رویکرد استعاری این دو جهان کاملاً قابل فرض و به لحاظ عملکرد و ظرفیت قابل تفکیک است. در واقع نظام ارتباطی و ذات شیئی جهان فیزیکی و ذات عددی و اطلاعاتی جهان مجازی، عامل مهمی است که این دو جهان را از هم متمایز می‌کند. فیزیک گرایی و جهان فیزیکی طبیعتی محلی و محدود دارد و تغییرات در جهان فیزیک موضوع تغییرات شیئی و محکوم به اصطکاک و فرسایش است. جهان مجازی از ظرفیت جهانی نامحدود و درعین حال از ذاتی پلاستیکی و قابل تغییر برخوردار است. در جهان فیزیکی، ما از یک واقعیت گرایی متمایل به فیزیک جهان و روابط چهره‌به‌چهره برخورداریم. در فرایندهای جهان واقعی نیز، روندها بر کار فیزیکی و روندهای فیزیکی متکی‌اند. از سوی دیگر همه اتفاقات در ظرف فیزیکی و واقعیت‌های محسوس جهان اتفاق می‌افتد. تولد جهان مجازی ما را با نوعی نگرش جدید که می‌توان از آن به مجازی گرایی و یا شکل تنزل یافته آن به دیجیتالی گرایی تعبیر کرد، مواجه ساخته است. از سوی دیگر روندهای جدید کار در پرتو مجازی‌سازی، همگی یک روند انتقال امر فیزیکی

به امر مجازی و یا شیئها به عددها محسوب می‌شوند. این نگرش و این نوع فرایندهای مجازی در ظرفیتی صورت می‌گیرد که این امکان فضایی و مجازی و متحرک را برای ما فراهم می‌کنند که از آن می‌توان به مجازبودگی تعبیر کرد.

عمل تعامل بین جهان فیزیکی و جهان مجازی، پیوندهای مفصلی بین جهان واقعی و جهان مجازی به وجود می‌آورد که سه پرتو جدید ترکیبی را امکان‌پذیر می‌سازد که از آن به واقعی-مجازی‌گرایی، واقعی-مجازی‌سازی و واقعی-مجازی‌بودگی تعبیر می‌شود. روندهای ترکیبی از درآمیختن جهان مجازی و جهان فیزیکی در حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست سخن می‌گوید. در این فضا، عوامل فشار، کشش اجتماعی و فرهنگی که فرد را هم در فضای فیزیکی و هم در فضای مجازی در معرض «انتخابهای گسترده» مبدأ و مقصد قرار داده است، موجب به وجود آمدن ارزشها و تولیدات فرامحلی گسترده‌ای می‌شود که در معرض دید، انگیزه و خواسته‌های فردی و اجتماعی قرار می‌گیرد. با دوفضایی شدن مسیر زندگی، از سه نوع مهاجرت متفاوت سخن گفته می‌شود: (۱) مهاجرت فیزیکی که موجب حرکت جمعیت از یک مکان و جغرافیا به مکان و جغرافیای دیگر می‌شود، (۲) مهاجرت مجازی که موجب تغییر فضای فرهنگی زندگی می‌شود. در این فرض، در عین ثابت بودن مکان زندگی، فضای زندگی عوض می‌شود، (۳) مهاجرت‌های واقعی-مجازی: زمانی مهاجرت‌های واقعی-مجازی اتفاق می‌افتد که هم مکان و هم فضای زندگی و تعلقات فرهنگی زندگی تغییر می‌کند.

امروزه جهانی شدن مرجع بسیاری از تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جهان محسوب می‌شود و از طریق افزایش ارتباطات، تماسها و روابط تجاری و فرهنگی به نزدیک‌تر شدن کشورها و ملتها منجر می‌شود. از این‌رو، مبحث گسترده جهانی شدن و مطالعات جهانی شدن امروزه در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا مانند مک‌مستر<sup>۱</sup> کانادا، دانشگاه ملی تایوان، دانشگاه ایالتی اوهایو، دانشگاه لث‌بریج کانادا، دانشگاه لنکستر و در انگلستان، دانشگاه متروپولیتن منچستر با

1. McMaster

گرایشهای مختلفی همچون تجارت بین‌المللی و جهانی‌شدن، جهانی‌شدن و دولت، توسعه جهانی و مطالعات صلح، سیاست و مطالعات جهانی‌شدن، معماری، هویت فرهنگی و جهانی‌شدن، جهانی‌شدن و عصر اطلاعات، حقوق بشر، جهانی‌شدن و عدالت، روابط بین‌الملل و جهانی‌شدن و غیره تدریس می‌شود. مطالعه جهانی‌شدن نه تنها به‌عنوان یک موضوع علمی که ماهیتی بین‌رشته‌ای نیز دارد برای دانشجویان و محققان مفید است، بلکه با توجه به گسترده‌گی موضوعاتی که تحت تأثیر فرایند جهانی‌شدن در فضای واقعی و مجازی مانند ارتباطات، آموزش، اقتصاد، هنر و غیره قرار دارند، آگاهی از روندهای جهانی‌شدن در هر دو فضا، رویکرد و گستره دیدی را برای همگان از جمله مدیران و برنامه‌ریزان فراهم می‌کند. دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاهی در مقاطع مختلف تحصیلی برای آگاهی از موضوعات روز دنیا و انتخاب حوزه‌های مطالعاتی جدید با توجه به نیازهای جاری جامعه خود، نیازمند مطالعات مرتبط با جهانی‌شدن و فضای مجازی هستند.

از سوی دیگر جهانی‌شدن و فضای دو جهانی‌شده جدید که برخاسته از ظهور صنعت هم‌زمان ارتباطات و به لحاظ محتوایی بستر ساختارمند شدن فراگیرتر سلطه جهانی است امری نگران‌کننده و مبهم تلقی می‌شود و در فضای سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران نیز این نگرانی و ابهام کاملاً انعکاس یافته است. برای مثال، در بند ۲۰ متن الزامات تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران به جهانی‌شدن توجه مستقیم شده است؛ «تعامل سازنده با فرایند و روند طبیعی جهانی‌شدن و مقابله با پروژه جهانی‌سازی غرب و نظام تک‌قطبی و مناسبات غیر عادلانه در جهان»<sup>۱</sup> یکی از الزامات تحقق سند دانسته شده است. در سند چشم‌انداز، به سه گفتمان پیشرفت و تولید دانش، صلح و روند جهانی‌شدن اشاره شده است. لذا از این منظر نیز موضوع کتاب، اهمیت کلیدی دارد که امیدواریم مجموعه مطالب آن اثر راهبردی را ایفا کند.

این کتاب با توجه به رویکرد پارادایمی و بین‌رشته‌ای خود برای دانشجویان

1. <http://www.maslehat.ir/Contents.aspx?p=782aacde-5ff3-4f76-a441-5c0fd3b40f7a>

رشته‌های مختلفی همچون علوم اجتماعی، علوم ارتباطات اجتماعی، روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و حتی هنر و معماری و شهرسازی نیز مفید است. با نگاهی فراتر باید گفت دانشجویان همه رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی و رفتاری به نگاه پارادایمی کتاب نیازمندند.

این کتاب حاصل مجموعه مقالاتی است که نگارنده بخش مهمی از آن را بین سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ در حوزه جهانی شدن و تبیین پارادایم دوفضایی شدن نگاشته است. سیر مفهومی مطالب این کتاب از فرهنگ به عنوان امری که ریشه تاریخی دارد به سوی آینده‌اندیشی حرکت می‌کند؛ بدین ترتیب که پس از مقدمه، ده فصل کتاب به ترتیب به حوزه‌های جهانی شدن، فرهنگ، دین، خانواده، هویت، اضطراب و آینده‌اندیشی تعلق دارد. فصل چهارم و دهم کتاب که دربردارنده مباحثی درباره دوج جهانی شدن و ارزشهای خانوادگی و رویکرد آینده‌اندیشانه به صلح در جهان واقعی - مجازی آینده است، برای اولین بار در این کتاب چاپ شده است. سایر فصول هم به روزرسانی شده و مطالبی در آن وارد شده که ناظر بر مفاهیم مهم مرتبط با موضوع است.

در فصل اول کتاب مباحث پایه حوزه جهانی شدن با عنوان «جهانی شدنها: مفاهیم و نظریه‌ها» مطالعه شده است. در مقدمه این فصل بیان شده که ورود به دوره جهانی شدن موجب بازنگریهای جدی در علوم مختلف شده است و جهانی شدن عامل انتقال جدید جامعه به قلمرو فرهنگ، سیاست و اقتصاد محسوب می‌شود. سپس در بخشهای بعدی این فصل انواع جهانی شدن، رابطه مدرنیته و جهانی شدن، مفهوم جهانی شدن، نظریه‌های اساسی جهانی شدن و نتیجه‌گیری از مباحث بیان شده آمده است. نتیجه‌گیری این فصل بر ظرفیت و توانایی پاسخگویی پارادایم دوج جهانی شدن به مسائل فضای جهانی شده یا فضای دوج جهانی شده در مقایسه با پارادایمهای مدرنیته که رویکرد تاریخی دارند، تأکید دارد.

فصل دوم نگاهی جدید به رابطه جهانی شدن و فرهنگ است که با عنوان «دوفضایی شدن فرهنگها» طرح شده است. این فصل با بخشی تحت عنوان

دوج جهانی شدن‌ها: پارادایم‌های جدید فرهنگ‌شناسی؛ پارادوکس احساس تعلق ملی و فضای جهانی شروع می‌شود که به خصوصیات جهان اول و جهان دوم، نیاز به بازنگری در مفهوم فرهنگ در این دو جهان و توضیح ویژگی‌های پارادایم جدید فرهنگ‌شناسی پرداخته است. سپس پیچیدگی معانی فرهنگی و شفافیت مفهومی فناوری، رابطه فناوری و فرهنگ، فناوری هم‌زمان ارتباطات و دوفضایی شدن فرهنگ توضیح داده شده و در بخش نتیجه‌گیری با عنوان پارادوکس‌های بین فرهنگی جهان واقعی و جهان مجازی گفته شده است که در دوران گذار، ارتباطات بین فرهنگی واقعی - مجازی حامل پارادوکس‌های جدیدی در فرهنگ روزمره خواهد بود؛ مانند پارادوکس واقعیت و مجاز و پارادوکس انسان و ماشین هوشمند.

**فصل سوم به دوفضایی شدن محیط دینی و دین مجازی اختصاص دارد.** در مقدمه، رابطه بین دین و فضای مجازی در بستر پارادایم دوج جهانی شدن‌ها توضیح داده شده است. بخش‌های بعدی به مفهوم دین مجازی، هستی‌شناسی دین مجازی، دین واقعی و دین مجازی، دوفضایی شدن جهان و تعامل دین مجازی و دین واقعی می‌پردازد. بخش نتیجه‌گیری نیز به پیامدهای عمده دین در فضای مجازی مانند شکل‌گیری جغرافیای جدید دین در فضای مجازی، تقویت خاص‌گرایی دینی و عام‌گرایی دینی جهانی به موازات هم و ظهور ادیان نوظهور پرداخته است.

**فصل چهارم نیز به نوعی در حوزه فرهنگ است و رابطه دوج جهانی شدن‌ها و ارزش‌های اخلاقی خانواده را تحلیل می‌کند.** در مقدمه این فصل به خانواده و ارزش‌های اخلاقی در دوره جهانی شدن، هویت‌های اخلاقی جدید در محیط خانواده و پارادایم دوج جهانی شدن‌ها به عنوان مهم‌ترین تحول ساختاری در زندگی اشاره شده است. بخش‌های بعدی این فصل به مباحث دوفضایی شدن جهان و تغییرات بنیادین خانواده، ظرفیت‌های دوفضایی شدن جهان و ارزش‌های خانواده و دوفضایی شدن خانواده و پیامدهای منفی آن اختصاص یافته است. نتیجه‌گیری این فصل بر اهمیت ارزش‌های فرهنگی خانواده در فضای دوج جهانی شده جدید و توسعه قدرت انتخاب فرد تأکید دارد. در این فضای جدید، لزوم شناخت ویژگی‌های یک خانواده سالم براساس

ارزشهایی که مقبولیت عام داشته باشد یک ضرورت قطعی است. فصل پنجم کتاب به رابطه دوفضایی شدن و هویتها اعم از هویت فردی و اجتماعی توجه کرده است. در مقدمه به لزوم مطالعات آینده اندیشی در حوزه های مختلف و اهمیت هویت اجتماعی و فردی در آینده فرهنگ پرداخته شده است. بخشهای بعدی این فصل به پارادایم دوج جهانی شدنها و چیستی هویت، آینده هویت در ساختار دوج جهانی گرایها، دوج جهانی بودگی و دوج جهانی شدنها می پردازد. براساس مباحث مطرح شده در این فصل، هویت های آینده، مبتنی بر فرایندهای تعاملی آینده و گذشته اند. با هنجاری شدن جهان دوم، بحرانهای هویتی ناشی از این جهان نیز کاهش خواهد یافت.

فصل ششم، به عرصه محسوس فرهنگ و میراث فرهنگی توجه کرده است و محلی-جهانی شدن، هویت و معماری را با تأکید بر معماری مرکز خرید مهستان کرج مورد مطالعه و مذاقه قرار داده است. مقدمه این فصل تأکید می کند که معماری استمرار حیات گذشته و روایتگر هستی امروز و هستی آینده است. همچنین ویژگیهای کلی معماری بنای مهستان را به عنوان اثری سنتی-مدرن معرفی می کند. این فصل با توضیح مفاهیم و نگرشهایی مانند هویت جمعی، ذهنیت و هویت، رمزگشایی از متون فرهنگی و تعاملهای دوتایی معماری محلی-جهانی و سنتی-مدرن، و بخش مهستان به منزله بنایی محلی-جهانی و سنتی-مدرن و بخش جهان محلی و محل جهانی ادامه یافته است. نتیجه گیری فصل ششم کتاب، رویکرد بنای مهستان به معماری و فرهنگ را بیان می کند که برای تعالی بخشیدن به معماری ایرانی رابطه ای تعاملی میان سنت و مدرنیته برقرار کرده است.

فصل هفتم به آسیب شناسی جهان معاصر در بستر دوفضایی شدن جهان توجه کرده است و با عنوان «دوفضایی شدن جهان و جامعه جهانی اضطراب» مهم ترین آسیبهای جهان جدید را به صورت قاعده مند مطالعه کرده است. مقدمه این فصل به اضطرابها و ریسکهای ناشی از جهانی شدن و جامعه جدید پرداخته است. بخشهای بعدی این فصل عبارتند: از مفهوم اضطراب، دوره بندی و علل اضطراب، نسبت



جهانی شدن و اضطراب و دوج جهانی شدن‌ها و اضطراب پنهان. نتیجه‌گیری فصل هفتم بر این نکته تأکید دارد که شکل‌گیری دوج جهانی شدن، موجب شکل‌گیری «جامعه جهانی اضطراب» شده است. هر روندی یک بازخورد معکوس تولید می‌کند، پس جهانی شدن نیز ممکن است به‌عنوان عامل ضد اضطراب تلقی شود. اضطراب تک‌عاملی نیست، بلکه برآیند مجموعه‌ای از زمینه‌ها، عوامل و محیط‌های فرهنگی و اجتماعی است.

فصل هشتم به حوزه مطالعات شهری مربوط است و شهر را در بستر دو فضا مطالعه می‌کند. عنوان این فصل دوفضایی شدن شهر، شهر واقعی و شهر مجازی است. در مقدمه به لزوم شهرسازی واقعی - مجازی در مدیریت کنترل حرکت جمعیت شهری اشاره شده است. در ادامه برای تشریح شهر مجازی، این فصل دارای دو بخش شهر مجازی و دوفضایی شدن شهر است. نتیجه‌گیری این فصل با عنوان ضرورت توجه به «شهر واقعی - مجازی فرهنگی» و انسجام شهری، بر آن است که با آنکه هیچ‌گونه شهرسازی قطعی در خصوص شهرهای مجازی شکل نگرفته است، برای توجه به هویت‌های مرتبط با فضاهای واقعی کشور و شهرها، ایجاد شهرهای فرهنگی واقعی - مجازی لازم است.

فصل نهم به مسیر آینده توجه کرده و با عنوان دوفضایی شدن‌ها و آینده جهان مدار توجه خوانندگان را به سمت آینده در دو فضای واقعی و مجازی سوق داده است. در مقدمه این فصل گفته شده است که عرصه تغییرات، همه حوزه‌های اساسی زندگی را دربر گرفته است و فهم دقیق‌تر تغییرات آینده جهان را در بستر فضای دوج جهانی شده حاکم بر روندهای امروز و آینده جهان مطالعه کرده است. بخش‌های بعدی این فصل عبارت‌اند از: تحولات فناورانه در دو جهان آینده، مهندسی ژنتیک و رایانه‌ای شدن فراگیر، فرد و جامعه آینده در جهان واقعی و جهان مجازی، دوج جهانی شدن و آینده سیاسی و امنیتی جهان، کار و شغل، تجارت و اقتصاد در دو جهان آینده. نتیجه‌گیری این فصل با عنوان پسا جهانی شدن: غلبه جهان مجازی بر جهان واقعی و شکل‌گیری پدیده «جنگ بدون جنگ» بیان می‌کند که مهم‌ترین

آسیب جهان آینده در جهان مجازی ظهور خواهد یافت و جنگ بدون جنگ که جنگ نمادها و نشانه‌هاست به راه خواهد افتاد.

فصل دهم نیز با رویکرد آینده‌اندیشانه، صلح در جهان واقعی - مجازی آینده را مطالعه می‌کند. مقدمه این فصل رویکرد درون‌زا و توسعه‌ای را که بیانگر تأثیر تکاملی گذشته بر حال و حال بر آینده است، اندیشه حاکم بر آینده‌اندیشی دوره معاصر می‌داند و دانش خیر و دانش شر را در به وجود آمدن صلح و جنگ در جهان پساجهانی شده جدید تأثیر گذار می‌داند. این فصل با بخشهای جنگ و صلح در گذشته تاریخ، نظریه‌های جنگ و صلح، قدرت، صلح و جنگ، نخبگی، فناوری و فرهنگ صلح و جنگ، مردم و صلح و جنگ، ذهنیت امروز در مورد جنگ و صلح، رویکرد مهدوی، اشتیاق به حقیقت و آینده صلح و جنگ در جهان آینده ادامه می‌یابد. نتیجه‌گیری فصل پایانی کتاب تکثر فرهنگی و چندفرهنگی شدن جوامع در اثر جهانی شدن را به نقد می‌کشد و تأکید می‌کند که ظرفیتهای مهمی برای «تضادهای اجتماعی» و درعین حال «مفاهمه و توافق چندفرهنگی» تحت تأثیر جهانی شدن، به وجود آمده که جنگ و صلح را در تعاملی فراملی قرار داده است. پایان‌بخش این کتاب فصل نتیجه‌گیری است که می‌کوشد بر ظرفیتهای مثبت و منفی جهانی شدن تأکید و جهانی شدن را از موضوع نفی مطلق و یا قبول مطلق خارج کند. در بخش نتیجه‌گیری کتاب سه لایه جهانی شدن معرفی می‌شود و در سطح لایه قدرت، لایه مردم و لایه مدیریت اجتماعی به بحث و تحلیل درباره جهانی شدن و رویکرد دوفضایی شدن جهان می‌پردازد.